



ایران

پيام قاطع و روشن و آينده ساز امام خميني چگونه اجرا خواهد شد ؟

بدون تردید مهم ترین رویداد هفته‌ای که گذشت انتشار فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی و هیرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است. این پیام که حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس قوه مقننه آن را «بیانیه تاریخی» و پیام مشترک رئیس دیوان عالی کشور و نخست‌وزیر آن را «حرکتی عظیم و تازه» و مفسران آن را «سیار مهم» و «سرنوشت‌ساز» توصیف کرده‌اند، در واقع هم می‌تواند سرازاز پس مهمی برای دورانی تازه از تحقق «آزادی» که بخش جدانشدنی شعار بزرگ انقلاب ما بود، باشد.

نیاز جامعه ما به تأمین محیط آرام و حفظ قانونیت و تأمین آزادی‌های دموکراتیک مطلق نیست که تازه مطرح شده باشد. همه می‌دانند که درکنار اجرای تدابیر بنیادی اقتصادی - اجتماعی تازچه اندازه ما برای اصل مهم نیکه کرده‌ایم. کافی است که اسناد بلنوم هفدهم کمیته مرکزی حزب و اعلامیه مهم شهریور ۶۰ و نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب مورخ اردیبهشت ۶۰ و همچنین تقریباتیه «پرش و پاسخ» های بیش از یکسال اخیر رفیق کبانوری دهبراول کمیته مرکزی حزب توده ایران که جوانب مختلف این مسئله و اهمیت آن و لزوم توجه جدی به آن و خطرات ناشی از نادیده گرفتن آن را خاطر نشان می‌کند، یادآوری کنیم.

پیام امام خمینی به یک نیاز واقعی جامعه ما بر سر یکا هیچ بزرگ تاریخ جامعه انقلابی ایران پاسخ می‌دهد. پیام امام خمینی ضرورت عینی ایجاد محیط امن و آرام و احترام به قانون و قانونیت را، آواشی که متکی بر قانون باشد و قانونی که دستاوردهای انقلاب را به دور از دستبردهای قانون شکنان پاس دارد، خاطر نشان می‌کند. مسلماً همه رفقا متن کامل این پیام را مطالعه کرده‌اند. باید بجهت هواداران و دوستان نیز توصیه کرد که دقیقاً تمامی متن را بخوانند و بدانند که در آن به چه مسائل حادی توجه شده و چگونه علیه تخطی از موازین و قوانین و علیه خاطیان اخطار جدی داده شده و چه راه‌هایی برای تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و فردی و ایجاد محیط آرامش، امنیت و اطمینان خاطر توصیه شده است.

بازتاب بسیار وسیع این فرمان در میان همه اقشار مردم و در میان دولت‌مردان و مسئولانی که در خط امام و خواهان تقویت جمهوری و تحکیم انقلاب هستند نشانهای است از جدت مسائلی که در آن مطرح شده و علامتی است از احتیاج حیاتی جامعه انقلابی ما، چهار سال پس از پیروزی انقلاب، به طرد انواع قانون شکنی‌ها و قطع تخطی برخی مسئولان و مجربان حقوق اجتماعی و فردی مردم و پایان دادن به انواع خودسری‌ها و بی قانونی‌ها.

قانونیت انقلابی نه با تحمل اعمال غیر قانونی ضدانقلابیون و عناصر توطئه‌گر سرسازگاری دارد و نه با تحمل اقدامات «جاهلانه» قانون شکنان در نهادهای حاکمیت و تجاوز و تعدی مابورین اجرا. امام خمینی هر دو جانب را طرد می‌کنند و تأمین احساس آرامش تمامی و امنیت و آسودگی خاطر را لازم می‌شمرند و دستور صریح و بی‌ابهام در این مورد صادر می‌کنند. امام سرعت و قاطعیت را از فوای اجرائیه قضائیه طلب می‌کنند، زیرا که بمواقف مسئله حادث است و تکامل سالم جامعه ما در خطر.

اهمیت این فرمان و ایجاد و جوانب آن و به نوشته «مفسری» علت صدور و جهت و توجیه و محتوا و مدعای آن را بسیاری از جمله دولت‌مردان، خاطر نشان ساخته‌اند. جا و امکان نگرار همه آن‌ها نیست؛ اگرچه بر همه رفقا است که دقیقاً آنها را بخوانند و به همه وسایل در اشاعه آنها بکوشند زیرا که این بیانات، خود یک تعهد است، خود یک وعده به مردم است، خود پذیرفتن یک مسئولیت است، و این آینده است - نه تنها آینده دورتر بلکه همین آینده نزدیک - که می‌تواند محکی باشد بر آن که آیا مسئولان و مجربان به درستی گفته‌های امام را درک کرده‌اند و آیا خواسته‌اند و یا توانسته‌اند جهت و محتوای آن را به کار بندند.

عمل میزان خواهد بود. علت صدور فرمان را کسی نیست که نداند. کسی نیست که بر آن چه امام تجاوز و تعدی نماید آگاه نباشد و پیامدهای سنگین اقدامات قانون شکنان را، اغلب به نام اسلام، حس نکرده باشد. کسی نیست که نداند تازچه اندازه تمامی طیف ضدانقلاب و ناراضی ترانشان و همه راستگرایان و مخالفان خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی از این جز استفاده می‌کردند و خود در ایجاد آن دیوانه‌وار و جنایتکارانه می‌کوشیدند.

بنا بر این اکنون عمل می‌ماند. امام سخن را گفته‌اند و حجت راتمام کرده‌اند. تنها و تنها عمل است که می‌تواند به مردم به‌ارزاندگی و اقتضا مرحله‌ای تازه و هرکسی عظیم آغاز می‌شود و دستگامهای قضا بهیچوجه می‌روند تا خود را در سطح توقعات جامعه‌ای انقلابی، مستقل و آزاد قرار دهند. مردم از روی روشی قضاوت خواهند کرد که نه در آینده‌های دور بلکه هم اکنون با عامه مردم - بجز تروریست‌ها و توطئه‌گران با همه مردم - در پیش گرفته خواهد شد. از روی رفتاری که با زندانیان به عمل خواهد آمد داوری خواهند کرد و این که آیا بجز شرکت‌کنندگان در اقدامات براندازی - به آزادی همه آنها که بی‌گناه یا به اتهام دگراندیشی زندانی شده‌اند خواهد انجامید؟

از روی تدابیری که در مورد نشریات و انتشارات مختلف مدافع انقلاب به عمل خواهد آمد و مجازاتی که برای ماموران لگدمال‌کننده موازین و قوانین تعیین خواهد شد قضاوت خواهند کرد و این که آیا «پاک سازی‌های غیر انسانی و ناعادلانه» پایان خواهد یافت؟ پرسش نامفاهای سراسر تفتیش عقاید دیگر ملاک پذیرش و استخدام نخواهد بود؟ تجسس‌های بی‌سابقه و زاینده جو آکنده از رعب و بی اعتمادی خانه خواهد پذیرفت؟ استراق‌سمع‌ها، شنودگماردن‌ها و جاسوس - پرووری‌ها به سر خواهد رسید؟ هتک حیثیت و آبرو‌ها با دخالت در محرمانه‌ترین امور انسانی و خانوادگی دیگران انجام خواهد گرفت؟ عمل مونت و مشخص در این زمینه‌ها و نظایر آنها ملاک واقعی آن خواهد بود که آیا در واقع هم تمامی عمق و اهمیت و جهت فرمان امام درک شده است یا نه. میزان عملی خواهد بود که مردم با آن در آینده، از فردا، از همین امروز با آن روبرو خواهند بود. و این سنگینی بار مسئولیت دولت‌مردان و مجربان را در اجرای فرمان می‌رساند. این نکته، از هم اکنون، توسط پیروان جدی خط امام آشکارا خاطر نشان می‌شود. امام جامعه تهران آقای هاشمی رفسنجانی، روشن و مبسوط، می‌شود. امام مختلف فرمان را توضیح داد. بر همه رفقا است که خطبه دوم جمعه ۲۶ آذر وی را بخوانند. لذا از تکرار آن می‌گذریم. آیت‌الله طاهری امام جامعه اصفهان تصریح کرد که «مسئولان با دادن چند شعار و تجلیل و تکریم بی‌محتوا از آن گذر نکنند». آیت‌الله خاتمی امام جامعه بزد بر «اجرای فرمان» امام و این که «هر چه سریع‌تر اقدام شود» تأکید ورزید. مسئله این است که فرمان امام در میان سبب تأییدی محتوای گم نشود، بلکه تمام محتوای آن در عمل و به‌طور محسوس و ملموس بروز کند. این فرمان به قول نماینده ارکاد در مجلس «خط سالم را به جریان می‌اندازد» و به قول رئیس مجلس «نیاز جامعه انقلابی ما را به آرامش خاطر و اطمینان به جریان قانون برآورده می‌کند. باید در عمل درستی این گفته رئیس قوه مقننه را ثابت کرد که گفت «اداره کشور نیازی به متخلف از قانون و زورگویی نسبت به مردم ندارد» باید این وعده را عملی ساخت که «به ادله انقلابی نیایی یا ضرورت تأمین امنیت به مردمی که دست‌اندرکار مبارزه مسلحانه با حکومت نیستند هیچ‌گونه به هیچ نحوی شتم و تعدی نشود». تعهد روسای قوه قضائیه و اجرائیه آقایان موسوی اردبیلی و میرحسین موسوی که مسترگا موظف به اجرای فرمان A ماده‌ای شده‌اند باید انجام پذیرد که خطاب به امام «گسترش عدالت و حفظ حریم مقدس قانون و تحکیم و توسعه امنیت قضایی و جلوگیری از نقض قانون و تعدی و تجاوز به حریم آزادی‌های فردی و اجتماعی» را وظیفه خود دانستند. باید عمل مشخصی به دنبال آید تا به نوشته آقای محمدرضا حکیمی در مقاله مهم روزنامه کیهان به «ظلم و تعدی و تحقیر شخصیت انسانی و پامال کردن حقوق مردم و نادیده گرفتن منزلت دیگران» و به «کردارها و رفتارهای غیر انسانی و غیر اسلامی عده‌ای از ماموران رسیدگی و جلب و قضی» پایان داده شود و «عوامل ظلم و هتک و ماموران ماموران غیر انسانی یا مغرض روسا شوند» و دست‌های مرموز و جریبان‌های نامطمئن که درخشش کردن آثار عملی موضع‌گیری‌های قاطعانه امام به فعالیت می‌افتند به فوریت شناخته شده و قطع گردند. این هشدار که به برخی تجربیات تلخ گذشته نظر دارد شایسته همه‌گونه توجه است زیرا که تازه اول کار است و آغاز نمودن حیاتی در یک عرصه حساس از زندگی جامعه انقلابی و تشنه عمل ما.

یک پیروزی مهم ولی محدود و مشروط

یکی از جداترین عرصه‌های نبرد بین خط انقلاب و مخالفین تعمیق آن در این هفته مسئله اصلاحات ارضی و بحث بر سر قانون واگذاری زمین در مجلس بود. تا ماده دهم آن با تغییراتی به تصویب رسید ولی به خصوص در این هفته آنچه مهم است تصویب ماده ششم مربوط به سر-نویسنداراضی دایر بزرگ مالکی (بند ۱۰) است. با تصویب این ماده گرهی و اساسی که نماینده‌های آن را «ماده مظلوم» نامید، راه برای شکستن ستون فقرات بزرگ مالکی در ایران باز شد. و این پیروزی خط امام، پیروزی انقلاب بر مسخ‌کنندگان آن و بی‌محتوایان اهداف آن است. اگر قانون به‌خوبی - یعنی به‌سود انقلاب و حجت‌مندان روستاها - اجرا شود دیگر در پایان اجرای آن کسی که بیش از چهار برابر عرف هر محل زمین داشته باشد وجود نخواهد داشت. تازه بزرگ مالکان و خوانین و اربابان کنونی که صدها و هزاران هکتار زمین دارند تنها به برابر عرف محل و اگر مدیریت مستقیم نداشته باشند حتی کمتر از آن می‌توانند زمین نگه دارند. تنها آن خردمالکانی که هم اکنون کمتر از چهار برابر عرف محل زمین دارند صرف نظر از مدیریت داشتن

قانون کار باید با حقوق کارگران و قانون اساسی منطبق باشد

در این هفته آقای توکلی وزیر کار اعلام کرد که کمیسیون رسیدگی به قانون کار (نه نفر وزیر به گفته آقای خامنه‌ای) تشکیل شده ولی به علت کثرت کارهای اعضا هنوز تشکیل جلسه نداده است. وی گفت که تا یک ماه دیگر طرح به هیئت دولت ارجاع خواهد شد. از زمان خارج کردن پیش نویس مرزوف توکلی - بهمن‌درازی - لاریجانی از موضوع بحث‌ها و جامع کارگری و سپردن امر تهیه قانون کار به کمیسیون ویژه، نهمتری گوش می‌شود که این مسئله حیاتی کمتر به‌طور همه‌جانبه مورد توجه قرار گیرد. متأسفانه همان شیوه‌ای که در مورد خود پیش‌نویس به‌کار رفت و از نظر کارگران پنهان نگاه داشته شد (هنگامی که کارفرمایان اصفهان به‌متن آن دسترسی یافته و نظر می‌دادند کارگران شهر از آن بی‌خبر بودند) اکنون به‌منحو دیگری در مورد کمیسیون ویژه ادامه می‌یابد. کارگری در جلسه کانون شوراهای جاده مخصوص کرج خواستار شد که ترکیب هیئت نهمتری وزیران شناخته شود.

کارگران خواستار شورت با شوراها و انجمن‌ها و مشارکت در تدوین قانون کار بر اساس قانون اساسی هستند. این خواست به‌اشکال مختلف از قبیل نامه به‌امضای جمیع کارگران، ارسال طومار، تصویب قطعنامه، حمایت از خانه کارگر و از تشکیل کنگره‌های استانی، تدوین نامه شورای اسلامی، بحث شفاهی، بریده جراید، تابلوی اعلانات، سخنرانی، تراکت و غیره بیان می‌شود.

کارگران اظهار عقیده می‌کنند که علیه یک قانون کار انقلابی و شایسته جمهوری اسلامی توسط گردانندگان وزارت کار توطئه‌ای صورت گرفته است. با وجود آن که تعاملی به مطرح کردن و بحث این مسئله از بالا وجود ندارد، از پائین خود کارگران با جدیت فراوان به آن می‌پردازند. در روزنامه کیهان ۲۴ آذر جمعی از کارگران کارخانجات تهران نامه‌ای را به‌عبارت رسانده و خواستارند هر چه زودتر پیش‌نویس قانون کار در اختیار کارگران و به‌ویژه شوراهای اسلامی قرار گیرد تا پس از جمع بندی، نظرات و خواست‌های خویش را در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار دهند. کارگران با حس مسئولیت از انقلاب دفاع می‌کنند و در همان چارچوب مسائل مربوط به حقوق خود و قانون کار را جدا دنبال می‌کنند. در این هفته آقای هاشمی رفسنجانی در ملاقات با عدماهی از کارگران گفت: «جمهوری اسلامی اجازه نمی‌دهد حق یک زحمتکش به‌جیب کسانی برود که زحمت نمی‌کشند». وی از «نام حق حقوق اجتماعی و کارگری» سخن گفت. واضح است که نیل به این اهداف و تحقق این وعده‌ها با سیاست‌های کارگرسنتز وزارت کار و با پیش‌نویس‌های گدایی نمی‌خواند.

لازمت که همه رفقاً در این زمینه بیش از پیش فعال باشند و با دقت به نشريات کارگری و به‌ویژه به‌معاصبه مسئولان تشکلهای صنفی-انقلابی در هفته‌های اخیر و همچنین اظهار نظرهای کارگران در همه مناسبت‌ها کمال توجه را به‌نمایش و دقیقاً آنها را مطالعه کنند. تدوین قانون کار متکی بر قانون اساسی و حقوق حقه کارگران و شایسته سنت‌های حق طلبانه طبقه کارگر ایران و مطابق با اهداف انقلاب بزرگ ما در گرو نبرد سخت و جهانی است که می‌توان و باید علی‌رغم مخالفان تعمیق انقلاب آن را به پیش برد.

سایر صحنه‌های روبرویی "خط‌ها"

نمتنها در زمینه تأمین حقوق و آزادی‌های اساسی، اصلاحات ارضی، قانون کار بلکه در سایر زمینه‌ها نبرد میان گرایش انقلابی و گرایش‌های ضدانقلابی و راستگرایانه وسخ‌کننده باشد. در این هفته ادامه یافت. اهمیت این صحنه‌ها نبرد در آن است که سرنوشته انقلاب و آینده‌های که در انتظار میهن ماست در گسرو نتایج این روبرویی‌هاست. فهرست‌وار - به‌علت کثرت مطالب و کمبود جا - به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

در مسئله دولتی کردن بازرگانی خارجی، نظریات خط‌امام‌مو مدافعان قانون اساسی و آنها که تعبیری انقلابی از اسلام را عرضه می‌کنند، در مسئله بازرگانی خارجی، به‌طور فشرده ولی مستدل و قانع‌کننده در نامه‌ای که روز ۲۴ آذر در روزنامه اطلاعات چاپ شده ارائه کرده است. نویسندگان نامه در پاسخ آیت‌الله مهدوی‌کنی، مسائل شرعی و ضرورت‌های سیاسی و اقتصادی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و لزوم تصویب و اجرای قانون مصوبه مجلس ولی رفته‌توسط شورای نگهبان را به‌نهایت می‌رسانند. رفقاً حتماً به‌اصول نامه مهم مزبور مراجعه کنند.

در مسئله احتمال بازپس دادن منابع ملی شده به بخش خصوصی، به‌دنبال یورش سرمایه‌داران و راستگرایان و اظهارات دولتمردانی کمرموب آنها شده‌بودند و طرح مسئله خطرناک می‌فایده بودن مدیریت دولتی و تز اجتماعی و طاعونی دولت مدیر و تاجر خوبی نیست. معارف انقلابی و خط‌امامی عکس‌العکس بجا کردند. در این اواخر کارخانجات ملی شده که به‌عمدت کارگران و کارکنان انقلابی همراه افتاده و مشغول تولید هستند آماری از موفقیت‌های خود را منتشر کرده و ثابت کرده‌اند که بسی بهتر و بهتر از زمان تسلط

یا نداشتن و دارا بودن یا نبودن مورد آمد دیگر بجز کشاورزی نام زمین خود را نگه خواهند داشت.

ولی این پیروزی محدود است زیرا که شامل انواع زمین‌های تمام مکانیزه و زمین‌های واحدهای دامداری و باغات و قلمستان‌ها نخواهد شد و مشروط است، زیرا که نمایندگان جانبدار "مالکیت مقدس اربابی توانستند در کمیسیون ویژه و در بحث شور دوم آنچنان نصره‌هایی بکنجاندند و آنچنان قیدهایی ایجاد کنند که اگر در ناهیه‌ای هیئت اجرایی کاملاً معتقد و در خط امام عمل بکنند سرنوشته قانون زیر علامت سؤال خواهد رفت. ذکر انواع مزارعها و اجاره‌ها، انواع اولویت زمین‌های موات و بایز، انواع تقدم فرزندان بزرگمالک و امکان تبدیل زمین زراعی به‌باغ (یا باغ‌نمایی!) امکان خواهد داد که قانون مسخ شود و اقدام انقلابی ضرور و حیاتی اصلاحات ارضی به‌طور کامل و بنیادی انجام نگیرد. خوشبختانه مسئولان اجرایی تاکنون باهشیاری و قاطعیت در خط امام عمل کرده‌اند. هیئت‌های هفت نفری اگر به سنت‌های مردمی خود وفادار بمانند و نه اسناد قلابی و جعلی بزرگ - مالکان بلکه دست‌های پهنه‌بسته دهقانان و نیازهای حیاتی انقلاب را ملاک قرار دهند و اصول صحیح قانون اساسی و روح و متن ضد - بزرگمالکی قانون احیاء و واگذاری را قطب‌نمای خود قرار دهند، خواهند توانست به‌عنوان اولین مرحله ضربهای جدی و تابودکننده را بر بزرگمالکی این پایگاه امپریالیسم و استثمار و فساد و طاغوتگری و ظلم و نابرابری وارد آورند.

هنگامی که آقای رهائی نماینده مجلس گفت: «این چیز لازمی است اما کافی نیست و باید تکملاً این قانون را بیاوریم و تکمیلش کنیم» بر همین محدود بودن و مشروط بودن، بر انواع نقاط ضعف و نارسایی‌های باقی‌مانده در قانون نظر داشت. او گفت: «میدواریم تصویب این حدائق چیزی که باید به‌روستاییان داده بشود انجام بگیرد». با تصویب ماده ۶ و تمامی فصل سوم به‌طور کلی می‌توان گفت که این "حدائق" حاصل شده و در نتیجه آن ضربهای شکننده، در صورت اجرا، بر بزرگمالکی وارد شده‌است. اما جریبان بحث‌های این هفته نشان داد که تا همین حدائق هم به‌تصویب رسیده‌نبرد شدید وجه جنگ خانه‌به‌خانه، نه‌صه به‌نه‌صه و کلمه به‌کلمه‌ای در گرفت. آقایان عزیزی و واعظی و اختاری و ظاهری و فهمید و نادری و طبیب و دیگر باوران آنان همچو شهسواران دفاع از سنگرهای بزرگمالکی به آوردگاه آمدند و پیورش‌های بی‌دویی را بر بندیدند مواد قانون سازمان دادند و متأسفانه گامهم موفق شدند خندقی یا خاکریزی و ارتفاع‌کنند اما اکنون در پایان همه شرایط آماده شده تا قلمه بزرگمالکی برکنده شکسته شود و دژ خانجانی تسلیم گردد. ماده شش که این هفته تصویب شد راه را به‌مسوی قلمه‌کنود. شهسواران زیرسپر "اسلام" نمایی خود را پنهان کردند، حتی به‌دروغ ادعا کردند که برخی مراجع قانون را برخلاف اسلام می‌دانند که نباید رای بیاورد. رسیدن حق به جقدر و زمین به دهقان را "یک فکر کاملاً کمونیستی" خواندند و "کم شدن تولید"، "رونق کشاورزی"، "صلاح جمهوری اسلامی" را بهانه آوردند و بیشتر از همه، به همه‌همه و به‌بها و تلوغ کردن و جنجال‌متوسل شدند. آنها از شکستی که در همه‌همه و خوره‌نده‌متقول آقای‌فاصل‌هرندی "ناراحتند" و چنان مخالف موازین مجلس و اخلاق عمل کردند که آقای رفسنجانی به‌دنبال نگاه‌ها و تک‌ها و پیورش‌ها و شب‌بخون‌ها و اقدام‌گذاری‌های آنان گفت: «این جور کم‌نمی‌شود با مجلس بازی کنید... هر می‌خواهید تکرار کنید تا قفسه را خراب کنید». آنها نتوانستند خراب کنند و این پیروزی خط‌امام است، به‌کرسی نشستن بخشی از خواست‌های دهقانان و برآورده شدن قسمتی از نیازهای انقلاب است.

در این پیروزی نقش قاطع را خود دهقانان و همچنین نهادهای انقلابی داشته‌اند. آقای اشکوری بحق از مبارزات دهقانان و طومارهای آنان و حساسیتی که کشاورزان نشان دادند و طی این دوره به‌دراز انقلاب نظر ندارد یاد کرد. او از یک طومار دهقانان ۲۴ هزار امضا که به‌شبهه رجایی داده شد نمونه آورد و اگر کسی می‌شود شاید می‌توانست از ۲۴ هزار طومار و نامه با اثر انگشت و بیش از آن نیز آمار بدهد. دهقانان زحمتکش که به‌قول آقای اخلاقی در نطق پیش از دستور "شمره" گارشان و شرف و ناموسشان یکجا توسط گروهی به‌نام خان و ارباب به‌نیما میرفت عامل قاطع در این نبرد بودند. ایمان با یاری هواداران انقلاب بر مخالفان لگام زدند. مخالفان چه می‌گفتند؟ آقای واعظی، بالاخره، آشکارا آنچه را که در ته دل داشت در مجلس گفت: «بگذارید همان‌طور که در گذشته بوده و مردم معامله می‌کردند، مزارعه و اجاره و مساقات و امثال اینها، این برنامه‌ها با کمال آزادی باشد. اینست هدف مخالفان اصلاحات ارضی: ادامه همان‌طوری که در گذشته بوده (زمان سلاطین و فتوح‌الدوله‌ها) آن هم در کمال آزادی (آزادی برای ارباب و بزرگمالک حاکم). آقای طاهری مخالف قانون و ماده ۶ در این هفته گفت: «میدوارم اصلش رای نیاورد» و آقای موحدی ساوچی موافق حق و قانون پاسخ داد: «اگر این ماده رای نیاورد طرح مفت نمی‌آورد». بالاخره اکثریت مجلس از کارزار پیروز بیرون آمد، توجه کرد که مسئله هم سیاسی است هم اجتماعی، هم اقتصادی و هم انسانی و اگرچه به‌برخی گذشت‌های گامهم، چه در کمیسیون، چه در خارج جلسه، چه ضمن بحث تن در داد ولی بالاخره زمینه قانونی شکستن گم‌بزرگمالکی و فراهم ساخت.

سرمایه‌داران غارتگر یا سرمایه‌های خارجی می‌توانند به‌سود کشور وارد می‌گردد. در این هفته آقای نخست‌وزیر در یک مصاحبه اختصاصی با کیهان گفت: "آمار و ارقام خلاف این مسئله را که گویا کارخانجات بخش دولتی زیان‌بخش هستند نشان می‌دهد. مسلک در آنها نشان می‌دهد که تمام این واحدها رشد قابل‌توجهی داشته‌اند... افراد ساده‌لوح و بیمارض به‌نگر مدیران طاغوتی آمریکا هستند... عدم موفقیت دولت در اداره کارخانجات را تکذیب می‌کنم". دفاع از بخش دولتی، به‌نگامی که زمین حدود بخش‌های سنگانه اقتصاد مطرح است، یک وظیفه مهم انقلابی و یک تدبیر مومن در جهت تمهید انقلاب و تضمین شکست‌ناپذیری آن در برابر امپریالیسم و تروریست‌های اقتصادی است.

در مسئله آزادی فعالیت احزاب، در هفته‌های اخیر کارزار وسیع و بردمانندای احزاب راستگرایان و طرفداران "سازمان فدائیان متمدنی بصورتی اسلامی" علیه حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همراه افتاده و متأسفانه اغلب رجال و افعیلین و انقلابی‌ها هم خود را ناچار دیده‌اند از ترس برحسب انجمنی‌ها و تشویق و ترغیب‌ها تا سازمان‌های تاسزاواری ایشان حزب ما کنند. کمتر دیده شده است که در این "جو" کسی جرات سیاسی و شهامت مدنی بیان حرف درست و دفاع از قانون اساسی را بپاید. اکنون، پس از بیانه بسیار مهم هشت‌ماده‌ای امام انتظار بحق آن است که در این زمینه با شروع کار کمیسیون ویژه احزاب در وزارت کشور و امکان فعالیت آزاد سیاسی احزاب جانبدار انقلاب و قانون اساسی (همان‌طور که آقای موسوی، نخست‌وزیر گفت "هر کسی با هر سلیقه و هر فکر" و "آزادی مطبوعات و انتشارات و رفع توفیق از افراد انقلابی دیگران در تفسیر و تفسیر کیفیت به‌وجود آید. ولی از جمله رویدادهای هفته گذشته لازمست سخنان هجرت‌الاسلام موحیدی‌گرمانی نماینده امام و امام جمعه باختران را عبادآوری کنیم که گفت: "وضع تمام گروه‌های سیاسی در جمهوری اسلامی در قانون اساسی مشخص شده است و اگر در این نظام احزاب گروهی وجود داشته باشد که فقط از نظر فکر با ما مخالف باشد آزاد خواهد بود ولی توطئه و تخریب، انهدام و قیام مسلحانه آزاد نخواهد بود."

در مسئله تمهید انقلابی یا تمهید امریکایی از اسلام: هم‌زمان با طرح مسائل حاد جامعه پیش‌آزمایش، در این هفته نیز، دو "اسلام پودر روی هم قرار گرفتند. پیش از پیش روحانی‌نمایان و تشویق‌پیشانی پهنه‌بسته افتاد شدند. در جریان بحث‌های قانون‌گاری، کارگری از جاده قدیم کرج می‌گفت: "آقای وزیرکار می‌گوید قانون کار اسلامی است و خیلی هم اسلامی است اما معلوم نیست اسلام امریکایی است یا اسلام حقیقی؟ این تمیز بین دو برداشت از اسلام کاملاً با واقعیت منطبق بوده و یکی از صحنه‌های جدی و در درونی خط‌هاست. در میان روشنی مسئله، سلسله مقالات کیهان درباره مارکس، این هفته بدانجا ختم شد که نشان می‌داد تشویق و انجمنی‌ها و آنها که برای شاه انگشتر حقیقی می‌فرستادند اگر چه مرجع بوده و اگر چه بر پیشانی جای مهر دارند همان مارکس زمان ما هستند. سلسله مقالات اطلاعات هم درباره برخورد با مسائل کارگری به "تفاوت نظرات در مسائل اجتماعی" رسید و در آن برداشت‌های فشرده مرود شناخته شد و اثبات گردید که باید به دنبال "حرف تازه و نظر ناشنیده و بحث جدید" به‌نگام بروز "مسائل جدید" و از جمله "مسائل سرمایه‌داری و محتوا و ماهیت آن و پاسخ‌های جدید به آن" رفت و "عالم به‌زمان بود.

در تماس با مردم بویژه با مسلمانان انقلابی و صدیق باید این تفاوت و رویارویی‌ها و موضع‌گیری‌ها را روشن کرد و نشان داد که مرزبندی بین نیروها بر شالوده مطلق‌گرایی کار خود اسلام‌نماهای امریکایی است که نمی‌خواهند ملاک‌های واقعی را بخروش کنند و بین نیروهای واقعی انقلابی تفرقه بیاورند. دشمنی اسلام امریکایی با انقلاب و با "اسلام حقیقی" همان حکایت مارکس و تشویق‌پیشانی است که سنگین ترین و خطرناکترین ضربها را فرود می‌آورد.

در مسئله بازگشایی دانشگاهها: روز ۲۷ آخر مطابق با سالروز شهادت دکتر فتح، گروهی از دانشکده‌ها بازگشایی شدند و مراسمی بدین مناسبت ترتیب یافت. اما در عین حال عده بسیار زیاد و خیریه‌کننده‌ای از دانشجویان به‌معناوی و به‌بهبودهای گوناگون از تحصیل هنوز محروم مانده‌اند، اگر چه با فرمان امام و افاق احترام به‌مقانونیت امید دارند که از آنها نام نویسی شود. این‌جا صحنه دیگری از مبارزه و خصومت مخالفان خط امام و انجمنی‌های آشکار و پنهان و عوامل نفوذی یا مشکوک، تفرقی یا نادان علیه آرایش جامعه و عمل قانونی است. ای‌ها پس از آن که بر اثر فشار مردم و مقاومت نیروهای واقع بین خط امام و مبارزه همه انقلابیون و احزاب و سازمان‌های مترقی دیگر نتوانستند مانند گذشته همچنان از بستن دانشگاهها دفاع کنند و آب به‌سبب ضدانقلاب بریزند و تازگی تراشی کنند حال‌آهان اهداف تخریبی را از طرق دیگر به‌انجام می‌رسانند. آنها قانوناً نتوانستند به‌بهبودهای مختلف بازگشایی مراکز آموزش عالی شدند تا آن‌جا که به گفته آقای هاشمی‌رفسنجانی "برای ضدانقلاب یک چیز بسیار مطلوبی" شد. اما حالا که دیگر آن دستاویز گرفته شده شیوه‌نازای در پیش گرفتارند: گسترش دامنه تصفیه و اخراج دانشجویان، در عین اسلام پذیرفتن دیپلم‌های افتائی در دانشگاهها، ارائه پرسش‌نامه‌های سراسری قانونی و تشخیص آخرین، اخراج و تطبیق گسترده

استادان و دانشجویان و تمهیدنامه‌های رنگارنگ و ضدقانون اساسی. این عناصر مشکوک و عوامل راست و جریان مخالف، کشور را از کادری متخصص محروم می‌کنند، به‌دشمن حربیه تبلیغاتی می‌دهند، میان دانشجویان و خانواده‌ها تازگی می‌آفرینند، فرهنگ ریا و دورویی را انعام می‌دهند، جو علم‌ستیزی را گسترش می‌دهند و به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ضربه می‌زنند. در این عرصه آنها هنوز دست بالا را دارند.

جهان

آزادترین بهای می‌خیزد

سپلی‌های تاریخ گام‌نقش برانگیزاننده بزرگی ایفای می‌کنند و خلق‌ها را به‌نگرش تازه بر سرخوش خویش وادار می‌سازند. جنگ فالکلند (مالویس) برای خلق آرزائین حادثه‌ای این چنین بود. هنگامی که غرض آخرین شلیک‌های توپخانه ناوگان بریتانیا خاموش شد و سربازان انگلیسی "بار دیگر" حاکمیت "علی‌احضرت ملکه انگلستان" را بر این مجمع الجزایر آرزائینی برقرار کردند مردم آرزائین در برابر سلی از پرسش‌های بی‌پاسخ فرار گرفتند که: "ژنرال‌های حاکم بر کشور برای چه‌باین خیمه‌شب‌بازی خطرناک دست‌زدند، چگونه فریاد های "میهن پرستانه" شان که گوش فلک را کر می‌کرد به یکباره خاموش شد، اتحاد کشورشان با ایالات متحده که ضمن بقا و استقلال آرزائین در برابر هر تعرض بیرون‌قاره‌ای نمایانده می‌شد به‌کجا رفت و چرا به اتحاد بیرون‌قاره‌ای امپریالیسم انگلوساکسن برای سلب حاکمیت از یک کشور امریکایی لاتین تبدیل شد، چگونه ارتش "نیرومند" آرزائین که تا آن لحظه یکی از سازمان‌های اروپا قوی "دفاع بین‌المللی قاره آمریکا" بود و مستشاران آن به‌حکام کشورهای مترجم امریکایی لاتین مانند هوندوراس و غیره درس مبارزه مسلحانه با پارتنران‌های "کمونیست" را می‌آموختند چون برف آب شد و در زمین فرو رفت، چرا خلق‌های دیگر با تمام ناتوانی‌های نظامی و مادی خود توانستند استعمار کهن بریتانیا و فرانسه و استعمار نوین امریکایی را از سرزمین خویش برانند و آرزائین با نیروی به‌مراتب بیشتر از آنان با یک ضربت از پای درآید؟

مجموعه این حوادث همراه با جریان‌های دیگری که چند در دوران جنگ و جدیل و بعد از آن در کشور روی داد می‌دهد خلق آرزائین را در سطحی عالی‌تر و بادامندتای گسترده‌تر به‌صحنه مبارزه سیاسی کشانده است. جنبش ضد امپریالیسم و ضد دیکتاتوری که در آرزائین سنت‌های دیربیا دارد اوج کیفیتاً تازمای می‌گیرد. پرچم مبارزه را، چون همیشه، زحمتکشان و در پیشانی آنان طبقه کارگر بردوش گرفته‌اند. نبرد به‌مقیاس ملی با یک‌اعتصاب ۲۴ ساعته که در آن ۶ میلیون نفر یعنی "علا" تمام کارگران شرکت داشتند آغاز شد. به دنبال این اعتصاب راهپیمایی‌ها و تظاهرات شهرهای بزرگ را دربر گرفت. رهبری جنبش را جبهه متحد خلق که در آن سه حزب بزرگ کشور: حزب طرفداران بیرون، کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها نقش اصلی را ایفا می‌کنند در دست دارد. جبهه متحد احزاب می‌کوشد دیکتاتوری نظامیان مترجم را که سرچشمه تمام معائب کشور است از میان بردارد و به‌جای آن حکومتی دموکراتیک که مدافع منافع ملی آرزائین باشد روی کار بیاورد. روز پنجشنبه ۲۵/۹/۱۳۶۱ توده‌های مردم به دعوت جبهه متحد همه احزاب مردمی با شعارهای "آزادی، استقلال، نابود باد امپریالیسم انگلو-ساکسن" به خیابان‌ها ریختند و از ژنرال‌های حاکم خواستند که با برگزاری یک انتخابات آزاد حکومتی را که غصب کرده‌اند به‌ما بیاورند بازگردانند. ژنرال‌های "قهرمان" با کلوله به مردم پاسخ دادند، دها نفر را زخمی کردند، کسانی را نیز به‌حلاکت رساندند و صدها نفر را بازداشت کردند. بویونوسا بیرون شاهد روزهای بی‌سابقه انقلابی است. نبردی اوج‌گیرنده از سوی خلق آرزائین آغاز شده است که نوبت می‌دهد دیربیا زود واکنش زنجیری خود را در تمام امریکایی‌لاتین نشان دهد و این سرآغازی خوش برای آزادی این قاره اسیر از دگرپن‌ها و سیاست‌های استعمارگرانه امپریالیستی است که آخرین آن‌را ریگان به نام "سیاست‌نویس بین‌کشوری آمریکا برای سال‌های دهه ۸۰" با رنگ و لعاب تازه از همان انبار کهن بیرون کشیده می‌خواهد بدنام روابط برابر "اقتصادی و سیاسی بر سایر کشورهای قاره تحصیل کند، تلاشی که به‌بودگی آن در سفر اخیر ریگان به‌چند کشور امریکایی‌لاتین به‌اثبات رسید و حتی مخاطبانش بارها او را به تغییر روش و اتخاذ سیاستی واقع‌بینانه‌تر در مورد "هم‌قاره‌ای‌ها" دعوت کردند. رئیس جمهور کولومبیا، چنان کم‌نویز و بی‌گمی نویسد، با سراجستی که در عرف دیپلوماتیک معمول نیست، تمام جوانب نظامی، سیاسی و اقتصادی روابط ایالات متحده با کشورهای امریکایی لاتین را به‌یاد انتقاد گرفت و او را از توسل به شیوه‌های نظامی برای پیشبرد مقاصد آمریکا در مورد نیکاراگوئه و کوبا و سایر کشورهای امریکایی‌لاتین برحذر داشت. کوشش‌ها و تلاش‌ها برای تشکیل محور واشنگتن - برازیلیا بر ضد سایر یخ‌چال‌های قاره آمریکا نیز به‌نتایج دلخواه وی نیا انجامید.

خلق‌های امریکایی لاتین هر روز بیشتر و بهتر درک می‌کنند که بین آنان و ایالات متحده در هیچ مسئله‌ای اشتراک منافع ملی وجود ندارد. گرایش‌های استقلال‌طلبانه و گریز از زنجیر قیمومت ایالات متحده به

برنامه پختی می‌کنند و به گروه‌های هوادارشان راه و رسم مبارزه و خرابکاری فکری را نشان می‌دهند از بام تاخام برای لیبستان دستور العمل می‌دهند ، و آنان را به ادامه مبارزه علیه منافع مردم ومیهنشان تحریک می‌کنند و شاید تادمت کوتاهی دیگر نیز گروه‌های ضدانقلابی گهگاه برای اظهار لحنیه هم شده باشد "شب‌نامه" و "روزنامه" منتشر کنند ، ولی کار از کار گذشته است و ضدانقلاب در لیبستان بار دیگر با یک شکست تاریخی روبرو شده است و ما همین همین منظره را در افغانستان می‌بینیم .

استقرار بدون بازگشت نظام نوین مردمی در افغانستان

سفر ضیاء الحق به آمریکا بار دیگر موضوع افغانستان را به صفحات روزنامه‌های جهان کشاند . مطبوعات و رسانه‌های گروهی غرب بارها بمسئله افغانستان بازگشتند و اغلبشان البته با تاسف ، ختم "فاشله" را اعلام کردند . حتی بی بی سی با شیوه مخصوص خودش گفت که به عقیده یک خبرنگار غربی که سه ماه با جریک‌های افغانی بوده است نیروهای مقاومت افغانی به دلیل نداشتن یک سازمان سیاسی متشکل در سراسر موطوط قرار گرفته‌اند (بی بی سی ۱۹/۹/۱۳۶۱) .

البته مطبوعات کشورها هنوز مسئله افغانستان را "در نهانخانه دل" پنهان کرده‌اند و از ذکر حقایق مربوط باوضاع افغانستان که بی شک برسئولان کشور پوشیده نیست اعراس می‌کنند . با این همه هنگام آن فرا رسیده است که ما به یک مسئله اصلی بپردازیم و آن دلیل بقای نظام نوین مردمی افغانستان است . آیا نظام نوین مردمی افغانستان ، چنان که دشمنان آن ادعا می‌کنند ، به‌تاکت نیروی خارجی برسرپاست و در بین مردم کشورش پایگاه اجتماعی و سیاسی ندارد ؟ و با برعکس به دلیل ماهیت مردمی و ملی خودش توانسته است روز به روز طمیقات و اقتدار بیشتری را به‌خنده‌نگار بودن خویش معتقد سازد ؟ ما می‌بینیم که روند جذب توده‌های مردم بمسوی پشتیبانی از حکومت انقلابی بهیوسته در افغانستان تقویت یافته است ، دلیل این امر قبل از هر چیز نیروهای سیاسی هستند که در دو سوی جبهه مبارزه قرار گرفته‌اند ، گروه‌هایی که اکنون مدعی مبارزه باحکومت افغانستان هستند کهستند و اگر پیروز شوند به مردم افغانستان چه خواهند داد ، پایگاه‌های داخلی و خارجی آن‌ها کدام است ؟ هیچ کس منکر نیست که همه این گروه‌ها وابستگان به مرتجع ترین نیروهای داخلی و خارجی ، زمین داران ، سلطنت طلبان ، سرمایه داران وابسته ، آمریکا ، انگلستان ، عربستان سعودی ، اسرائیل ، مسروپاکستان هستند و پیروزی آنان نیز به معنای پیروزی این نیروها در منطقه و جهان است . فرقی نمی‌کند که این نیروها برای نوبت مردم در افغانستان ماسک "اسلامی" به‌چهره بزنند و در لیبستان "دموکراسی غربی" ، البته نیروهای مرتجع در شرایط خاصی می‌توانند توده‌های مردم را نه تنها در کشورهای همسایه مانده‌های چون افغانستان بلکه در کشور پیشرفته‌ای مانند لیبستان با آن سطح بالای آگاهی سیاسی نیز طی مدتی موقت و کوتاه به دنبال خویش بکشاند و تمام پیروزی‌های نیروهای ضدانقلابی در تاریخ نیز به همین شیوه روی داده است .

در شرایط کنونی که صدور ضدانقلاب به کشورهای از بندرسته با شیوه‌ها و رنگ‌های گوناگون از توطئه‌های خزنده تا مداخلات آشکار مسلحانه به یکی از عناصر پایدار سیاست امپریالیسم تبدیل شده‌است حمایت و پشتیبانی خلق‌ها و نیروهای انقلابی از یکدیگر اهمیت اساسی پیدا می‌کند . این پشتیبانی به مردم لیبستان و افغانستان امکان داد که از آن برهه خطرناک تاریخ خویش به سلامت بگذرند ، روند استقرار نظام نوین مردمی در افغانستان و لیبستان بدون بازگشت شده است . سهر سعودی این دو کشور در مسیر پیشرفت اجتماعی و اقتصادی با سرعتی به مراتب بیشتر ادامه خواهد یافت و این درست همان چیز است که خواب را از چشم راهزنان امپریالیستی ربوده‌است و آنان را در اعلامیه‌های بیانی جلسات شورای پیمان ناتو به باور سراسری درباره " آزادی‌های دموکراتیک و " استقلال " و دفاع از آن‌ها برانگیخته است . موضع گیری خصانه پیمان ناتو در مسئله افغانستان و لیبستان خود بهترین گواه آنست که آنچه در این دو کشور روی داده و می‌دهد برضد منافع امپریالیسم و به همین دلیل در جهت مصالح خلق‌های آنان و تمام نیروهای مترقی و انقلابی جهان است .

۶۹/۹/۲۸

صورت‌های مختلف از جمله اقدام برای ایجاد اتحادیه‌های سیاسی و اقتصادی بدون شرکت ایالات متحده ، قبول نقش فعال‌تر در خارج از "سازمان کشورهای آمریکایی" ، عضویت در سازمان کشورهای غیرمتعهد (بمصرف عضو دائم ناظر) ، اتخاذ موضع مستقل در برابر ایالات متحده در سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی ، برقراری روابط گسترده‌تر با کشورهای سوسیالیستی و در برخی از موارد تا فرامی آشکار از قبیل امتناع بزرگ و آرزوئین از شرکت در تحریم‌ها و تجارت‌های امپریالیستی در فروش غلوه‌غیزه . با شناسایی مبارزان انقلابی السالوادور از سوی مکزیک و نظایر آن خود نمایی می‌کند . و این گرایش‌ها جزئی از روند کلی مبارزه‌است که در حال حاضر بین نیروهای انقلابی و مترقی - خواه از یک سو و نظام محترق امپریالیسم از سوی دیگر به مقیاس سراسر جهان ادامه دارد و جنبش‌های استقلال طلبانه ملی یکی از اجزای اصلی به‌شمار می‌رود . بسیاری از ناظران مطلع بین‌المللی عقیده دارند که سال‌های دهه هشتاد سال‌های اوج گیری جنبش انقلابی در آمریکای لاتین خواهد بود .

سیاست سازمان و استراتژی‌های امپریالیسم از هم اکنون برای روباوویی با این موج تازه جنبش انقلابی تدارک می‌بینند که تصرف "فالکلند" علاوه بر مسائل دیگر ، با این برنامه‌های امپریالیستی نیز بی ارتباط نبود و بی گمان بازگردن پای زمامداران صهیونیست اسرائیل به آمریکا لاتین در نقاط حساسی مانند آمریکای مرکزی و آرزوئین نیز بیش از آن که به مسئله "بهدود" مربوط باشد به وسیله‌سازی و توطئه‌چینی‌های ضدانقلابی که صهیونیست‌های اسرائیلی در آن تبحر دارند ارتباط می‌یابد . علیرغم تلاش سراسر انگیزی که امپریالیسم آمریکا و هم‌دستان اروپایی آن برای سد کردن راه تحولات انقلابی در جهان و براندازی رژیم‌های ضد - امپریالیستی با " عملیات پوشیده " آغاز کرده‌اند کمتر نقطه‌ای از جهان را می‌توان یافت که این سیاست‌ها بهر مملوسی برای امپریالیسم به‌بار آورده باشد . امپریالیست‌ها هر جا سرمایه‌گذاری بیشتری کرده‌اند با ورشکستگی چشمگیری نیز روبرو شده‌اند .

پایان حکومت نظامی در لیبستان

هفته پیش ژنرال پاروزلسکی دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لیبستان و نخست وزیر آن کشور لایحه لغو مقررات عمده حکومت نظامی را بمجلس قانونگذاری لیبستان ("سئیم") تقدیم نمود ، وی روز قبل در یک نطق تلویزیونی گفت : لیبستان ، با یکوت ، تحریم ، مجازات ، توطئه ، حملات ناچوانمردانه تبلیغاتی دشمن امپریالیستی را پشت سر گذارده است . ملت لیبستان با احساس مسئولیت در برابر میهن ، تلاش دشمنان را برای مداخله در امور داخلی کشورش مقیم گذاشت . طبقه کارگر لیبستان در دام دشمن نیفتاد و اکنون از آن همه جارو جنجال تبلیغاتی دشمن چیزی جز یک خاطره نامطبوع در دل‌ها باقی نمانده‌است . لیبستان با کمک دوستان آژموده‌اش و در رأس آن‌ها اتحاد شوروی بحران را در پشت سر گذاشت و اکنون می‌تواند مرحله تازه‌ای را در سازندگی جامعه سوسیالیستی و ادامه راهی که آگاهانه برگزیده بود آغاز کند . پاروزلسکی افزود با این همه ما باید بدانیم که این سازندگی در شرایط وخامت شدید ، در شرایط خطر زاینده از سوی امپریالیسم انجام می‌گیرد و ما به این خطر واقفیم و به هیچ کس چه در لیبستان و چه در خارج از آن اجازه نخواهیم داد که از تصمیم دولت راجع بلغو مقررات عمده حکومت نظامی برای ایجاد دور جدیدی از هرج و مرج و آشوب سوء استفاده کند .

تصمیم کمیته مرکزی حزب متحد کارگری دولت لیبستان در مورد پایان دادن به مقررات عمده حکومت نظامی برپایه تجزیه و تحلیل واقعیات همین کشور : انزوی کامل ضدانقلاب ، شرکت فعال طبقه کارگر در احیای اقتصاد کشور و ترمیم خواجگاری‌های اتحادیه " همبستگی " ، ترقی شاخصی - های اصلی تولید ، نوسازی سازمان‌های حزبی و سندیکایی ، ایجاد نظم در شبکه توزیع و بازگرداندن آهنگ عادی به زندگی شهرها و روستاها گرفته شده است .

آنچه ریگان و سرویس‌های جاسوسی غرب را در بهت کامل فرو برده اینست که چرا ملیاردها سرمایه‌گذاری ، هزاران شکم‌سازی و توطئه‌چینی نتوانست لیبستان را به جنگ داخلی و هرج و مرج بکشاند و ماده متعجرب‌های " که سال‌ها در لیبستان متراکم کرده بودند ، خشنی شد . اکنون ریگان و رادیه‌های "آزادش" بدانگونه که علیه انقلاب ما